

مکزیک در آستانه انتخابات

استراتژی زاپاتیستها: اتحاد نیروهای ضد سرمایه داری

بهزاد مالکی

در آستانه انتخابات مکزیک و گرایش به قدرت سیاسی چپ که در چند کشور آمریکای لاتین آشکارا دیده می شود، ما شاهد دگرگونی های جدید در جنبش کارگری این کشورها هستیم. هم مرز بودن مکزیک با ایالات متحده و حضور صدها هزار مکزیکی مهاجر در آمریکا (که در جنبش اخیر "لاتینو - اسپانیش ها" بسیار فعال بودند) و پیوندهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی مکزیک با ایالات متحده، به جنب و جوش های اخیر این کشور اهمیت زیادی می بخشد. آماده شدن احزاب "چپ" رفرمیست برای به دست گرفتن قدرت و مخالفت سازمان ها و سندیکاها چپ و حضور سه جنبش چریکی با اهمیت در اینجا، حساسیت مسأله را به خوبی نشان می دهد. حضور نمایندگان جنبش زاپاتیستی و در رأس آنها معاون فرمانده مارکوس در مکزیکوسیتی، به دنبال تغییر و تحولاتی که در استراتژی آنها، پس از چند سال رکود و انزوا، به وجود آمده، نشان بارزی از این وضعیت ویژه است.

۱۲ سال از شروع شورش بومیان مایا در چیپاس مکزیک در اول ژانویه ۱۹۹۴ و پایه گذاری «ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی» می گذرد. در این مدت، این جنبش مراحل چندی را پشت سر گذارده است. از تعرض مسلحانه و جنگ پارتیزانی با نیروهای نظامی و انتظامی مکزیک و تصرف شهر "سن کریستوبال" گرفته تا بستن قرارداد صلح ۱۹۹۶ معروف به قراردادهای "سن آندرسن" که در آن حکومت مکزیک وعده های زیادی برای تحقق خواست های بومیان داد. در سال ۲۰۰۰ در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و پایان حکومت ۷۰ ساله حزب "انقلاب اداری شده"، زاپاتیست ها با سازماندهی یک راهپیمایی طولانی به سمت مکزیکوسیتی و مطالبه اجرای "قرارداد سن آندرسن" گامی جدید در تعرض سیاسی خویش برداشتند.

با پاسخ ردی که پارلمان به خواست های آنها داد، زاپاتیست ها به مناطق خویش باز گشته و دوره جدیدی را آغاز کردند که در آن با ادامه مصادره زمین های بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان و ایجاد مجتمع های خودمختار و بخشداری های دموکراتیک و اداره این بخشداری ها توسط خود مردم با انتخابات دوره ای، عملاً دولت خودمختاری را در مناطق تحت کنترل خویش به وجود آورده اند که در اصطلاح به آن "دولت خوب" می گویند، در تقابل با "دولت های بد" حاکمان مکزیک و حامیان امپریالیست آنها.

زاپاتیست ها در این مرحله از فعالیت خویش، با حمله به نولیرالیسم و جهانی شدن سرمایه داری و ارتباط وسیع با آنچه خودشان "جامعه مدنی جهانی" مینامند محبوبیت وسیعی بین روشنفکران و جنبش های چپ جدید و مخالفان نولیرالیسم و جهانی شدن به دست آوردند و الهام بخش فوروم اجتماعی جهانی و اعتراض های سیاتل - جنوا، کبک سیتی و غیره گردیدند. اما محدود ماندن مبارزه زاپاتیست ها در حوزه بومیان مکزیکی و محاصره آن توسط ارتش دولتی و جدایی شان از سایر جنبش های شهری کارگری و دموکراتیک مکزیک، به نوعی در سالهای اخیر به دور شدن آنها از بطن مبارزات عمومی مکزیک و ایزوله شدن آنها منجر گردیده است. شاید به همین دلیل و نیز به علت اینکه مطالبات آنان از سوی دولت بی پاسخ مانده است، آنها استراتژی جدیدشان را طرح کرده اند، که در واقع،

پاسخی ست به پویایی مبارزه و دیالکتیک آن.

در ژوئن ۲۰۰۵، با اعلام "آماده باش سرخ"، زاپاتیست ها برای مشورت و نظرخواهی روی طرح جدید، همه نیروی خود را به داخل مراکز و جنگل های منطقه نفوذ خویش فراخواندند و اعلام کردند که می خواهند برای قبولاندن خواست های خود به دولت مکزیک دست به تعرض جدید سیاسی بزنند و ائتلافی وسیع با همه جنبش های چپ سیاسی به وجود آورند. در "ششمین بیانیه از جنگل لاکندونا" و گردهم آیی "کارزاری دیگر" در ژانویه ۲۰۰۶ در شهر سن کریستوبال، مارکوس اعلام کرد: "جنبش زاپاتیستی باید خود را چپ و ضد سرمایه داری تعریف کند نه سانتریست، نه نیمه سانتریست، نه راست میانه، نه چپ منطقی و قانونی ... بلکه چپ". در این بیانیه اعلام گردید که در مبارزه بومیان، گام برداشتن به پیش تنها در صورتی امکان پذیر است که انسان بومی با کارگر، دهقان، دانشجو، معلم، کارمند، به عبارت دیگر با کارگران شهر و روستا متحد گردد.

"آنچه ما در مکزیک می خواهیم انجام دهیم این است که با افراد و سازمان های واقعاً چپ به یک توافق دست یابیم. زیرا فکر می کنیم که در چپ سیاسی ست که ایده مقاومت در برابر جهانی شدن نولیبرالی وجود دارد. هدف این است که کشوری بسازیم که در آن برای همگان عدالت، دموکراسی و آزادی وجود داشته باشد".

نمایندگان زاپاتیست ها به مدت ۶ ماه با همه مخاطرات در سراسر مکزیک، با بومیان، کارگران، دهقانان و بقیه نیروهای مردمی نشست خواهند داشت. هدف از این بیانات و برنامه "کارزاری دیگر" توافق با همه نیروهای چپ است که دست رد بر سینه انتخابات رسمی می زنند. هماهنگ کردن مبارزات پراکنده و دست یافتن به برنامه و نیز طرحی برای پیاده کردن آن، مضمون کوشش مشترکی ست که "برنامه سراسری مبارزه" نام گرفته است.

از اواخر آوریل تا ۵ شنبه ۴ مه، کاروان زاپاتیست ها پایتخت بزرگ مکزیک را درنوردید تا با دانشگاهیان، کارمندان، کارگران معادن، کارگران شیشه گری و کارگران لاستیک ساز، روسپیان [کارگران جنسی] و کارگرانی که به بیگاری کشیده می شوند، کارگران صنعتی و پیشه وران و صنعتگران خرد که فروشگاه های بزرگ زنجیره ای آنها را به ورشکستگی کشانده و نیز تمام آنهایی که از جنوب شرقی مکزیک، از "تی جوانا" و سایر ولایات و شهرها به پایتخت آمده اند ملاقات نمایند.

گردهمایی مهمی در میدان تلاتلولکو به این منظور پیش بینی شده بود. این مکان نمادین، صحنه نبرد دانشجویان و کارگران در دوم اکتبر ۱۹۶۸ با ارتش دولت "گوستاو دیاز" بوده که در آن بیش از ۴۰۰ نفر کشته و صدها نفر زخمی گردیدند بی آنکه مرتکبین این جنایت ها مورد مؤاخذه و مجازات قرار گیرند. در مکزیکوسیتی در روز شنبه ۲۹ آوریل، معاون فرمانده مارکوس به عنوان یک دادستان و مدافع حقوق اجتماعی، در متنی که در واقع، یک "ادعانامه" است، از کارگران و رهبران آنها خواست که ریزه خواری سفره سرمایه داران را که رهبران رفرمیست به آنان وعده می دهند فراموش کرده و با ترک این سفره، دوره نوینی را آغاز نمایند.

در سالن مرکزی سندیکای "یونی رویال"، مارکوس در مقابل بیش از هزار نفر سخنرانی کرد و به سخنان بیش از ۱۰۰ نفر از آنان تک تک گوش فرا داد. در پیاده روها بروشورهای سیاسی و تی شرت هایی با علامت EZLN (ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستی) می فروختند و پلاکاردهایی با شعار "رأی ندهید، مبارزه کنید و خود را سازمان دهید" به چشم می خورد.

آنهایی که اینجا هستند کمونیستها، آنارشیست ها، تروتسکیست ها و غیره از هر سنی و دسته ای هیچ انتظاری از انتخابات ریاست جمهوری که در ۲ ژوئیه برگزار می شود ندارند. حزب انقلاب دموکراتیک (چپ PRD) از نظر آنها بهتر از رقیب دست راستی اش حزب اقدام ملی (PAN) که در قدرت است، نیست. آنها در این باره که چگونه جنبش کارگری را از پایین به سوی نیرویی ضدسرمایه

داری متوجه کنند به بحث می پرداختند. در این باره سخنگوی زاپاتیست ها می گفت:

"گرچه مبارزه با بازار و کسب حقوق و دستمزد منصفانه اساسی است، اما این کافی نیست. ما از شما در این میتینگ با کمال احترام می خواهیم که برای جنگ در راه نابودی سرمایه داری و بازستانی آنچه متعلق به خودمان است با ما همراه شوید. این حرفی توخالی نیست که رهبری جنبش آزادیبخش ملی زاپاتیست ها بیان کرده است. ما از زمان شورش ۱۹۹۴ در عمل، در سرزمین مان به این اقدام دست زده ایم و زمین های اربابان را که مصادره شده به مالکیت جمعی آنهایی که روی آنها کار می کنند درآورده ایم. بومیان شورشی اربابان و مباشران آنها را نه تنها از زمین هایشان، بلکه از همه عرصه های زندگی روزانه شان بیرون رانده اند. بومیان طی ۱۲ سال، بدون دریافت پشتیبانی از دولت، سیستم آموزشی و بهداشتی خودشان را سازمان داده اند. آنها این عمل را تحت نظارت حکومت های محلی خودشان، فارغ از مداخله احزاب سیاسی یا کارمندان مزدور به انجام رسانده اند، امری که ۱۲ سال پیش غیر ممکن می نمود و هنوز هم از نظر مطبوعات تجاری غیرممکن می نماید و بدین دلیل از آن هیچ صحبتی نمی شود".

خوزه لویی روجاس، دبیر کل سندیکای پارچه بافان "کرتورو" که کارخانه اش از ۹ آوریل در اعتصاب به سر می برد می گوید "نه، من نمی روم رأی بدهم". او همانند دیگر سخنرانان که طی ۸ ساعت پی در پی پشت تریبون رفتند به ناچیز بودن حقوق کارگران، به خودداری اربابان از پرداخت سهم بیمه های اجتماعی و نیز به سرکوب خشن دولتی اعتراض کرد و عملکرد سندیکاهای خودفروخته را که مانع برپایی سندیکاهای مستقل هستند افشا نمود. یکی از کارگران قدیمی "یونی رویال" با گویی فشرده تعریف می کرد که چگونه ۵ مرد مسلح به یکی از اجتماعات آنها حمله کردند. وی نومید از آنکه کار ثابتی نیافته و ناگزیر است با قرارداد موقت ۲۸ روزه کار نماید می گفت: "می خواستم شانس خود را برای مهاجرت به آمریکا امتحان کنم ولی موفق نشدم از مرز عبور کنم". کارگران کارخانه های انتقالی دم مرزی (ماکیلا دورا) از فشار مستمر بر روی زنان کارگر صحبت می کردند و اینکه کارفرمایان، آنها را از آبتن شدن منع می کنند. مارکوس در حالی که به پیپ خود پک می زد و یادداشت بر می داشت به سخن آنها گوش می داد و هنگامی که با آنان صحبت می کرد همان واژگان ساده ای را به کار می برد که در گفتگو با بومیان چیاپاس و بومیان کوهستانهای "گرو" و دشت های یوکاتان استفاده می کند.

مارکوس در مقام دادستان پایینی ها "ادعانامه" ای علیه سرمایه داری و رژیم های آن صادر کرد. در سرزمین مکزیک، جایی که مردم شاهد جنایات سازمان یافته و اجرای فساد انگیز قوانین هستند، جایی که میلیاردها هرآنچه بخواهند، هر وقت که بخواهند، از هرکس که باشد حتی بینواترین افراد، بی هیچ هراسی از کیفر به دست می آورند. هیچ توهمی نسبت به آنچه "سیستم عدالت" یا "حکومت قانون" نامیده می شود و درست را غلط جلوه می دهد وجود ندارد. او در مقابل هیأت منصفه و قضاتی که همانا کارگران شهری بودند از "ادعانامه اش دفاع کرد" و برای سیستم سرمایه داری "تقاضای مرگ" کرد. سپس حکمی مبتنی بر "سلب مالکیت شخصی بر ابزار تولید" صادر گردید، درست همان طور که بومیان و دهقانان چیاپاس در مقابل زمین های مالکان بزرگ انجام داده بودند. او در ادامه می گوید: جنبش "کارزاری دیگر" که زاپاتیست ها اعلام کرده اند وقتی با جنبش کارگران وحدت یابد واقعاً ضد سرمایه داری خواهد بود".

مارکوس تا آخر ماه ژوئن، سفر خود را در بین ویرانه هایی که نولیرالیسم برجا گذاشته ادامه خواهد داد و بذر امید و خشم و شورش را در آنها خواهد کاشت.

باری، دستی که جنبش زاپاتیستی برای اتحاد با جنبش چپ و کارگری مکزیک دراز کرده اگر پاسخ مثبت بگیرد و از آن به خوبی استقبال شود می تواند در شرایط مطلوب کنونی در آمریکای لاتین به نقطه عطفی برای جنبش انقلابی چپ مکزیک تبدیل شود. چنانکه برنامه و ائتلاف نوین اگر به نتیجه برسد

گریزگاهی ست از یک سو برای خروج زاپاتیست ها از انزوا و محدودیت منطقه ای و سیاسی و مشارکت شان در ایجاد بدیل قدرت، و از سوی دیگر حیثیت و پشتیبانی بین المللی زاپاتیست ها و تجربهء عظیم آنها در بسیج و سازماندهی توده ای و ادارهء امور، می تواند برای جنبش چپ و کارگری مکزیک کمک بزرگی باشد در جهت گسست از سبک کارهای سکتاریستی و حرکت به سمت ایجاد یک آلترناتیو انقلابی...

یادداشت:

مطالب برگرفته از لوموند مورخ ۴ مه ۲۰۰۶ و سایت www.narconews.com است.